

برنامه اتمی و خطای سیاسی دولتمردان ایران

ابراهیم یزدی در گفتگو با صدای آلمان

مصاحبه‌گر: جمشید فاروقی ، ۱۶/۱۰/۱۳۸۵

تصویب قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت آشکارا نشان داد که محاسبات سیاسی دولتمردان ایران خطا بوده است. سفر لاریجانی به چین و تلاش‌های دیپلماتیک اخیر جمهوری اسلامی که به منظور ایجاد شکاف در بین صاحبان حق و تو در شورای امنیت سازمان ملل صورت می‌گیرد، نیز بر بستر چنین محاسباتی دنبال می‌شود.

دوچپه‌وله: آقای یزدی، علی‌رغم اینکه از اولتیماتوم تعیین‌شده در قطعنامه‌ی ۱۷۳۷ مدت چندانی باقی نمانده و علی‌رغم اظهارات برخی از مقامات جمهوری اسلامی، از جمله سخنان اخیر حسین موسویان عضو مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت مبنی بر پذیرش احتمالی تعلیق، به نظر نمی‌آید که جناح تندرو از جمله خود شخص احمدی‌نژاد حاضر به تجدید نظر در سیاست اتمی کشور بشود. در صورت عدم چرخش در سیاست اتمی ایران، ارزیابی شما از اقدامات آتی آمریکا و غرب چیست؟

ابراهیم یزدی: همانطور که شما اشاره کردید، در ایران میان مسئولان و تصمیم‌گیرندگان اختلاف نظر وجود دارد. آن دسته از مسئولانی که در ماجرا بوده‌اند، سالها در جریان مذاکرات یا فعالیت‌ها بوده‌اند، آنها مصرند به اینکه نباید اجازه داد و نباید کار را به جایی رساند که قطعنامه‌ها تجدید و تشدید بشوند. اما اینکه شورای امنیت گام بعدی‌اش چه خواهد بود، سیاست کلان آمریکا در مقابله با ایران این است که اجماع جهانی را در مورد فعالیت‌های خودش علیه ایران داشته باشد. برخلاف افغانستان یا عراق که دولت آمریکا کم و بیش راسا اقدام به عمل کرد، در مورد ایران سیاست این است که حتالامکان اتفاق نظر جهانی را داشته باشد. طبیعی‌ست برای اینکه موافقت روسیه و چین را داشته باشد، لحن قطعنامه در مراحل اولیه خیلی تند نباشد که همینطور هم بوده. اما آرام آرام آمریکا با سیاست خودش از یکطرف و دولت ایران هم با سیاست خودش، یعنی عدم قبول شرایطی را که آژانس قرار داده است و نپذیرفتن بسته پیشنهادی گروه ۵ با ضافه یک در واقع راه را بازگذاشت برای اینکه آمریکا بتواند اولین گام محکم‌اش را بردارد. بطوری که امروز در سطح جهانی اتفاق نظر وجود دارد که ایران می‌بایستی غنی‌سازی را متوقف کند. این چیزی‌ست که هم چین و هم روسیه به آن رای مثبت داده‌اند. این قطعنامه ۱۷۳۷ به اتفاق آرا تصویب شده است.

دوچپه‌وله: آقای دکتر یزدی در همین رابطه، الان آقای دکتر لاریجانی مثلا در چین است. شما فکر می‌کنید تلاش‌هایی که جمهوری اسلامی ظرف چند هفته آتی در برابر خودش قرار می‌دهد چه تاثیراتی داشته باشد؟ آیا می‌تواند شکافی بیندازد میان همین گروه ۵ باضافه یک؟

ابراهیم یزدی: ببینید، قبل از آنکه ما مفاد یا اجزای یک مذاکره دیپلماتیک را مورد بحث قرار بدهیم، می‌بایستی شرایط کنونی جهانی را بررسی کرده و یک درک واقع‌بینانه از مناسبات کنونی جهان داشته باشیم. در شرایط کنونی جهان نه روسیه و نه چین در وضعیتی نیستند که اگر میان ایران و آمریکا یک درگیری جدی اتفاق بیفتد آنها جانب ایران را بگیرند. اگر به حجم مبادلات اقتصادی چین با آمریکا توجه بفرمایید، و آن را با حجم مبادلات اقتصادی ایران و حتی امتیازاتی که ایران داده و یا ممکن است در آینده بدهد مقایسه کنید، (حجم معاملات با ایران) اصلا مبلغ یا چیز قابل توجهی نخواهد بود. بنابراین یک اشتباه بسیار اساسی است که برخی از تصمیم‌گیرندگان ایران مرتکب شده و می‌شوند که تصور می‌کنند می‌توانند چین و روسیه را از همگامی و همسویی با آمریکا و سایر کشورهای غربی بازدارند. به نظر می‌رسد که اگر ایران شرایط را نپذیرد، گام بعدی بر طبق فصولی که در همینجا آمده، فصل ۴۱، گام‌های بسیار تندتری علیه ایران برداشته خواهد شد.

دوچپه‌وله: آقای دکتر یزدی، نفوذ جمهوری اسلامی در عراق و لبنان یک موضوع کاملا روشنی است. آیا فکر می‌کنید ممکن است ایران با استفاده از این نفوذ بعنوان یک ابزار سیاسی بتواند آمریکا و غرب را وادار به نرمش و یا تا حدودی مصالحه در قبال برنامه‌ی هسته‌ای خودش بکند؟

ابراهیم یزدی: من تصور نمی‌کنم. در مورد عراق یک شمشیر دولبه است، برای اینکه ادامه تشنج و شورشگری در عراق با توجه به مرز طولانی مشترکی که ما با عراق داریم، مسئله‌ی کردستان و مسایل دیگر، معلوم نیست به نفع ایران باشد. بنابراین ایران نمی‌تواند در مورد عراق سیاستی را اتخاذ کند که در نتیجه‌ی آن سیاست آمریکایی‌ها زیان ببینند به آن حد که مجبور بشوند با ایران کنار بیایند. چنین چیزی به نظر نمی‌رسد. تجزیه عراق به سه کشور جداگانه به نفع کشورهای منطقه از جمله ایران و ترکیه نیست. بنابراین به نظر نمی‌رسد ایران در مورد عراق واجد یک چنین ویژگی‌هایی باشد.